



(مقاله پژوهشی)

گونه‌شناسی نگرش به زن در پژوهش‌های علمی در پرتو کلام امام علی(ع)

مهديه اسماعیلی^۱، کبری خسروی^{۲*}، علی نظری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۴

(از ص ۸۱ تا ۹۷)

چکیده

نوع نگرش امام علی(ع) به زن، از جمله مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین موضوعات نهج البلاغه است که تاکنون صاحب‌نظران بسیاری را به قلم‌فرسایی واداشته است که نظرات اغلب آنان با یکدیگر و چه بسا با حقیقت، فاصله بسیار دارد. در این مقاله که به دو شیوه توصیفی و تحلیل محتوایی انجام شده، دیدگاه محققان و ایده‌پردازان در اغلب شروح نهج البلاغه و نیز کتاب‌ها و مقالات علمی، بررسی و گونه‌شناسی شده و در چهار گروه فکری قرار گرفته‌اند: گروه اول سخنان امام علی(ع) را حمل به ظاهر کرده‌اند؛ گروه دوم با ارائه دلایلی به توجیه منطقی سخنان حضرت پرداخته‌اند؛ گروه دیگر انتساب کلام به حضرت را منتفی می‌دانند و گروه چهارم با نگاهی سطحی، به امام علی(ع) نسبت زن‌ستیزی داده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که محیط جغرافیایی و شرایط زمانی، اجتماعی و دینی در شیوه تبیین کلام امام(ع) اثرگذار بوده است. با وجود شرح‌ها و پژوهش‌های فراوان، جنبه نوآوری در برخی از آن‌ها کم و یا حتی در برخی موارد تکرار سخن شارحان پیشین است. در این میان نظرات شارحان معاصر نسبت به زن منطقی‌تر بوده و افراط و تفریط کمتری در آن‌ها به چشم می‌خورد.

کلید واژه‌ها: امام علی(ع)، نهج البلاغه، گونه‌شناسی، مسأله زن، شروح نهج البلاغه، پژوهش‌های علمی.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، رشته نهج البلاغه، گرایش اصول دین و معارف علوی

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران

۳. استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران

* نویسنده مسئول

۱. مقدمه

زن از ابتدای تاریخ حیات بشر، معمولاً مورد ستم واقع شده و گاهی از حقوق اولیه یک انسان محروم بوده است. او که به‌عنوان مادر، مهم‌ترین رکن خلقت است، اغلب در برهه‌های مختلف تاریخ، نقش بی‌بدیش، موردعنایت واقع نشده و عموماً به جرم احساساتی بودن تکوینی، سلاخی شده است. سخنان امام علی(ع) پیرامون زنان در کتاب نهج‌البلاغه، ظاهری ضدّ زن دارند و به همین دلیل، همواره موجب خرده‌گیری به اسلام بوده‌اند.

دانشوران بسیاری، بر حاشیة نهج‌البلاغه به سخنوری پرداخته‌اند. دیدگاه برخی، بسیار مبسوط و دیدگاه‌های برخی دیگر، بسیار موجز بوده و البته همه به‌طور یکسان به تمام مسائل نپرداخته‌اند. اقبال شارحان به تفسیر خطبة ۸۰، بیشتر از سایر سخنان حضرت درباره زن بوده است و برخی، پیرامون دیگر سخنان حضرت، اظهارنظری نداشته‌اند. تلاش نگارندگان این بوده که با جمع شرح‌هایی که بر سخنان حضرت علی(ع) درباره زن نگاشته شده به گونه‌شناسی^۱ یعنی همان دسته‌بندی آرا و نظرهای شارحان و پژوهشگران براساس موضع‌گیری آن‌ها نسبت به کلام امام پرداخته و به‌دور از تعصب و با دیدگاهی نقادانه و تحلیلی نظرات مختلف را بررسی نمایند.

در این پژوهش از منابع متعدد عربی، فارسی و انگلیسی استفاده شده است و موارد مرتبط با موضوع، پس از استخراج، به دو شیوة توصیفی و تحلیلی محتوایی دسته‌بندی شده‌اند؛ البته با توجه به زیاد بودن منابع مورد استفاده و نیز تکراری بودن اغلب دیدگاه‌ها، به ذکر نمونه‌هایی از معروف‌ترین و قابل استنادترین آن‌ها، با رعایت اختصار بسنده شده و در مورد مقالات استفاده‌شده نیز، برداشت کلی از مفاهیم بیان گردیده است. کتاب‌هایی همچون شرح نهج‌البلاغه دخیل، منهاج‌البراعه راوندی، تصنیف نهج‌البلاغه و نیز بسیاری دیگر از مقالات در این زمینه بررسی شدند و به علت آنکه اغلب، مطلب جدید و خاصی برای ارائه درباره موضوع مورد بحث نداشتند و نیز به جهت اختصار، کنار گذاشته شدند.

لازم به ذکر است که با توجه به استفاده شارحان و مفسران از نسخ مختلف نهج‌البلاغه، برای وحدت در نام‌گذاری خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها، از نسخه صبحی صالح و از ترجمه محمد دشتی استفاده شده است.

۱-۱. بیان مسأله

موضوع زن و چگونگی نگاه امام علی(ع) به وی در نهج‌البلاغه، یکی از بحث‌برانگیزترین حوزه‌های اندیشه دینی است و همواره مورد توجه افراد و گروه‌هایی با عقاید متفاوت قرار گرفته است و هر کدام از منظر خود، این مسأله را مورد تحلیل قرار داده‌اند. در مواجهه با این سخنان، اگر ترجمه متعارف در نظر گرفته شود، در نگاه اول، بسیار توهین‌آمیز تلقی می‌شوند.

این مقاله بر آن است تا به بررسی و مقایسه سخنان اغلب شارحان، نظریه‌پردازان، عالمان و دانشوران پیرامون تعبیر نكوهش‌گونه حضرت علی(ع) پیرامون زن در نهج‌البلاغه، بپردازد. اگرچه با توجه به

مشکلات سندی و تعارض ظاهری روایات با آیات، احتمالاً دست‌یافتن به کُنه حقیقت مشکل باشد، اما تلاش بر این است که شرح سخنان حضرت با دیدی جامع‌نگرانه و با استناد به آیات، روایات و اصل خلقت زن و مرد نقد و بررسی شود؛ چراکه بدون شک سخن گفتن دوپهلوی، در گفتار مردم همه زبان‌ها وجود دارد و این نوع سخن‌گفتن از ویژگی‌های بلاغت زبان عربی است که در زبان قرآن نیز بسیار به چشم می‌خورد؛ بنابراین با عنایت به این موضوع، استحصال باطن و مفهوم اصلی کلام با توجه به قرائن موجود، از جمله آیات قرآن و روایات ائمه معصومین و سیره عملی امام علی(ع) امری ضروری است. پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که موضع‌گیری شروح نهج‌البلاغه و پژوهش‌های علمی نسبت به سخنان امام در مورد زن چگونه بوده و در چند دسته جای می‌گیرند؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

از ابتدای تألیف نهج‌البلاغه تاکنون، سخنان امام، علی‌الخصوص درباره جنس مؤنث، مورد مذاقه افراد مختلفی قرار گرفته و منجر به ارائه فرضیه‌های متفاوتی شده است؛ از جمله کتب «زن در آینه جلال و جمال» از آیت‌الله جوادی آملی، «زن در نهج‌البلاغه» از جمالی، «زن در نهج‌البلاغه» نجوی صالح الجواد و مقاله «پایگاه اجتماعی زن در نهج‌البلاغه» ثقفی؛ هر یک از مؤلفان این آثار، دیدگاه خود را نسبت به موضوع بیان نموده ولی نظرات تعداد اندکی از دیگر محققان را تبیین یا نقد و بررسی کرده‌اند. در چنین آثاری فرضیه‌های دیگران، نوع نگرش نویسندگان‌شان و صحت دیدگاه آن‌ها، مانند مقاله حاضر، مورد مقایسه و نقد قرار نگرفته است. از این‌رو تدوین دیدگاه‌های مختلف و مقایسه و نقد آن‌ها از جنبه‌های نوآوری در این مقاله محسوب می‌شود.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

کثرت تألیفات و شروح پیرامون سخنان امام علی(ع) در مورد زنان و ارائه فرضیه‌های متفاوت و گاهی متناقض، عدم نقد و بررسی اغلب نظرات و فرضیه‌های مطرح و نیز توجه بیشتر پژوهشگران به برخی عبارات خاص و چالش‌برانگیز باعث شده تا با وجود پژوهش‌های فراوان نوعی ابهام پیرامون موضوع زن در نهج‌البلاغه ایجاد شود. از این‌رو مقاله حاضر درصدد نقد و بررسی و مقایسه نظرات گوناگون و رفع این نقیصه است و می‌کوشد تا خوانندگان و پژوهشگران را در خصوص بحث زن در نهج‌البلاغه و تفسیر و تبیین آن یاری نماید.

۲. بحث

۲-۱. جایگاه زن در ادیان و فرهنگ‌ها

مطالعه و تحقیق پیرامون موقعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زنان، همواره مورد بحث نظریه‌پردازان مختلف بوده است. بررسی دیدگاه ادیان و مکاتب مختلف می‌تواند تا حد بسیار زیادی هویت، شخصیت، جایگاه اجتماعی و تاریخی جنس زن را تبیین نماید. برخی از این دیدگاه‌ها، گویای حقیقت‌اند و از برخی جز ادعا بر نمی‌آید. چنان‌که زن در ادیان توحیدی و غیرتوحیدی دارای جایگاهی متفاوت است و ادیان

پیشرو برای زن جایگاهی رفیع قائل بوده‌اند. زن در برهه‌هایی از تاریخ مورد ظلم واقع شده است؛ زمان‌هایی که از کرامت انسانی برخوردار نبوده و فقط فرزندآوری‌اش مورد توجه بوده و چه آن زمان که حق زندگی نیز نداشته و حیاتش وابسته به حیات مردش بوده است. آنچه مسلم است اینکه با ظهور ادیان و آموزش تعلیم از سوی رسولان به مردم، بسیاری از این موارد منسوخ شدند و شکاف بین دو جنس، تا حدودی از بین رفت و زن صاحب منزلت گردید؛ زیرا تمام ادیان الهی از سرچشمه وحی جاری شده‌اند و بر مسائل واحدی از جمله رعایت حقوق زن تأکید دارند.

زن در اصل دین، جایگاهی برابر با مرد دارد؛ اما آنچه سبب شد وضعیت زن همواره فراز و نشیب داشته باشد، تحریف گسترده مفاهیم کتب آسمانی توسط پیروان ادیان بود. خروج آنان از مسیر حق و عدالت، باعث شد تا عمدتاً اصل دیدگاه آن آیین نسبت به مسائل مختلف، علی‌الخصوص مسأله زن، در ابهام باقی بماند.

ذکر این نکته ضروری است که در کنار بی‌مهری‌هایی که بعضاً نسبت به زن وجود داشته، در دوره‌هایی از تاریخ نیز از امتیازات بسیار زیادی برخوردار بوده است؛ به طوری که حدود دو میلیون سال پیش، عصر مادرشاهی نامیده می‌شده و قبل از ورود آریایی‌ها به ایران، اقوام بومی، به مذهب مادرخدایی گرایش داشته‌اند و زنان از تقدس خاصی برخوردار بوده‌اند؛ به همین دلیل، به الهه‌هایی همچون الهه آب تعبیر می‌شدند و چه بسا خاصیت زایش، سبب تقدس زن‌ها بوده که حتی باعث شده به‌عنوان رب‌النوع پرستیده شوند (صراطی، ۱۳۸۳: ۱۸۳-۱۸۵)؛ لکن با تعلیم اسلام و قرآن، شأن حقیقی زن، به همگان معرفی گردید.

۲-۲. بررسی دیدگاه‌های شارحان نهج‌البلاغه پیرامون کلام امام علی(ع) به زن

در این بخش از مقاله، نوع نگرش شارحان و محققان را پیرامون موضوع زن در نهج‌البلاغه، با ذکر نمونه‌هایی گونه‌شناسی کرده و اهم نظرات‌شان در این مورد ویژه، استخراج می‌شود؛ بدیهی است با توجه به گستردگی مطالب، پرداختن به جزئیات، در این مقاله نمی‌گنجد. تمام عباراتی که از امام علی(ع) در مورد زنان در نهج‌البلاغه آمده، در مجموع ۵۳ مورد هستند که اغلب به‌ظاهر، مذمت‌کننده زنان هستند. چالش‌برانگیزترین این تعابیر به شرح ذیل است:

- «كُنْتُمْ جُنْدَ الْمَرْأَةِ وَ أَتْبَاعَ الْبَيْمَةِ» (خطبه/۱۳): شما سپاه یک زن و پیروان حیوان- شتر عایشه- بودید.

- «يَا أَشْيَاءَ الرِّجَالِ وَ لَا رِجَالَ خُلُومِ الْأَطْفَالِ وَ عُقُولَ رِبَّاتِ الْجَحَالِ» (خطبه/۲۷): ای مرد نمایان نامرد! ای

کودک صفتان بی‌خرد که عقل‌های شما به عروسان پرده‌نشین شباهت دارد!

- «مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ النِّسَاءَ نَوَاقِصُ الْإِيمَانِ نَوَاقِصُ الْخَطُوطِ نَوَاقِصُ الْعُقُولِ فَأَمَّا نَقْصَانُ إِيْمَانِهِنَّ فَمَعُودُهُنَّ عَنِ

الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ فِي أَيَّامِ حَيْضِهِنَّ وَ أَمَّا نَقْصَانُ عُقُولِهِنَّ فَشَهَادَةُ امْرَأَتَيْنِ كَشَهَادَةِ الرَّجُلِ الْوَاحِدِ وَ أَمَّا نَقْصَانُ

خَطُوطِهِنَّ فَمَوَارِيثُهُنَّ عَلَى الْأَنْصَافِ مِنْ مَوَارِيثِ الرِّجَالِ فَاتَّقُوا شِرَارَ النِّسَاءِ وَ كُونُوا مِنْ خِيَارِهِنَّ عَلَى حَذَرٍ وَ لَا

تَطِيغُوهُنَّ فِي الْمَعْرُوفِ حَتَّى لَا يَطْمَعَنَّ فِي الْمُنْكَرِ» (خطبه/۸۰): ای مردم! همانا زنان در مقایسه با مردان، در

ایمان و بهره‌وری از اموال و عقل متفاوت^۱ هستند؛ اما تفاوت ایمان بانوان، برکنار بودن از نماز و روزه در ایام عادت حیض آنان است؛ و اما تفاوت عقلشان با مردان بدان جهت که شهادت دو زن برابر شهادت یک مرد است؛ و علت تفاوت در بهره‌وری از اموال آن که ارث بانوان نصف ارث مردان است، پس از زنان بد بهره‌یزید و مراقب نیکانشان باشید. در خواسته‌های نیکو، همواره فرمانبردارشان نباشید، تا در انجام منکرات طمع نورزند.

– «اغْقِلْ ذَلِكَ فَإِنَّ الْمَثَلَ دَلِيلٌ عَلَى شَيْءٍ إِنَّ الْبَهَائِمَ هُمُّهَا بُطُونُهَا وَإِنَّ السَّبَاعَ هُمُّهَا الْعُدُونُ عَلَى غَيْرِهَا وَإِنَّ النِّسَاءَ هُمُّهُنَّ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْفَسَادُ فِيهَا» (خطبه/۱۵۳): در آن چه گفتم نیک بیندیش که هر مثال را همانند فراوان است. همانا تمام حیوانات در تلاش پر کردن شکمند، و درندگان در پی تجاوز کردن به دیگران، و زنان بی‌ایمان تمام هم‌تشان آرایش زندگی و فساد انگیزی در آن است.

– «وَ أَمَّا فَلَانَةٌ فَأَذْرِكَهَا رَأْيُ النِّسَاءِ وَ ضِعْفٌ غَلَا فِي صَدْرِهَا كَمِرْجَلِ الْقَيْنِ وَ لَوْ دُعِيَتْ لِنِتَالٍ مِنْ غَيْرِي مَا أَتَتْ إِلَيَّ لَمْ تَفْعَلْ وَ لَهَا بَعْدُ حُرْمَتُهَا الْأُولَى وَ الْحِسَابُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى» (خطبه/۱۵۶): اما عائشه، پس افکار و خیالات زنانه بر او چیره شد و کینه‌ها در سینه‌اش چون کوره آهنگری شعله‌ور گردید، اگر از او می‌خواستند آن چه را که بر ضد من انجام داد نسبت به دیگری روا دارد سرباز می‌زد، به‌رحال احترام نخست او برقرار است و حسابرسی اعمال او با خدای بزرگ است.

– «وَ لَا تَهَيِّجُوا النِّسَاءَ بِأَدَى وَ إِنْ شَتَمْنَ أُعْرَضَكُمْ وَ سَبَبْنَ أَمْرَاءَكُمْ فَإِنَّهُنَّ ضَعِيفَاتُ الْقُوَى وَ الْأَنْفُسِ وَ الْعُقُولِ إِنْ كُنَّا لَنُؤْمِرُ بِالْكَفِّ عَنْهُنَّ وَ إِنَّهُنَّ لَمُشْرِكَاتٌ وَ إِنْ كَانَ الرَّجُلُ لَيَتَنَاوَلُ الْمَرْأَةَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ بِالْفَهْرِ أَوْ الْهَرَاوَةِ فَيَعِيرُ بِهَا وَ عَقِبُهُ مِنْ بَعْدِهِ» (نامه/۱۴): زنان را با آزار دادن تحریک نکنید؛ هر چند آبروی شما را بریزند یا امیران شما را دشنام دهند که آنان در نیروی بدنی و روانی و اندیشه کم توانند. در روزگاری که زنان مشرک بودند مأمور بودیم دست از آزارشان برداریم، و در جاهلیت اگر مردی با سنگ یا چوب دستی، به زنی حمله می‌کرد، او و فرزندان او را سرزنش می‌کردند.

– «إِيَّاكَ وَ مُشَاوِرَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّ رَأْيَهُنَّ إِلَى أَفْنٍ وَ عَزْمُهُنَّ إِلَى وَهْنٍ وَ اكْتَفُفَ عَلَيْهِنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكَ إِيَّاهُنَّ- فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَى عَلَيْهِنَّ وَ لَيْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدَّ مِنْ إِدْخَالِكَ مَنْ لَا يُوثِقُ بِهِ عَلَيْهِنَّ وَ إِنْ اسْتَطَعْتَ أَلَّا يَغْرِفَنَّ غَيْرَكَ فَافْعَلْ وَ لَا تَمْلِكِ الْمَرْأَةُ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ وَ لَا تَعُدْ بِكَرَامَتِهَا نَفْسَهَا وَ لَا تُطْمِعْهَا فِي أَنْ تَشْفَعَ لِعَيْرِهَا» (نامه/۳۱): در امور سیاسی کشور از مشورت با زنان بهره‌یز که رأی آنان زود سست می‌شود و تصمیم آنان ناپایدار است. در پرده حجاب نگاهشان دار تا نامحرمان را ننگرند، زیرا که سخت‌گیری در پوشش، عامل سلامت و استواری آنان است. بیرون رفتن زنان بدتر از آن نیست که افراد غیرصالح را در میانشان آوری و اگر بتوانی به‌گونه‌ای زندگی کنی که غیر تو را

۱. در ترجمه محمد دشتی کلمه «تواضع» به معنای «متفاوت» آمده است درحالی‌که در ترجمه‌های دیگر غالباً به معنای دیگری همچون ناقص، کم‌بهره و اندک آمده است.

شناسند چنین کن. کاری که برتر از توانایی زن است به او وامگذار که زن گل بهاری است، نه پهلوانی سخت‌کوش. مبدا در گرمی داشتن زن زیاده‌روی کنی که او را به طمع‌ورزی کشانده برای دیگران به ناروا شفاعت کند.

- «الْمَرْأَةُ عَقْرَبٌ حُلُوَّةُ اللَّسِيَةِ» (حکمت/۶۱): نیش زن شیرین است.

- «غَيْرَةُ الْمَرْأَةِ كُفْرٌ وَ غَيْرَةُ الرَّجُلِ إِيمَانٌ» (حکمت/۱۲۴): غیرت زن، کفرآور و غیرت مرد نشانه ایمان اوست.

- «وَ جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ» (حکمت/۱۳۶): و جهاد زن، نیکو شوهرداری است.

- «خِيَارُ حِصَالِ النِّسَاءِ شَرُّهُ خِصَالِ الرِّجَالِ الرَّهْوُ وَ الْجُبْنُ وَ الْبُخْلُ فَإِذَا كَانَتِ الْمَرْأَةُ مَرْهُوَّةً لَمْ تُمَكِّنْ مِنْ نَفْسِهَا وَ إِذَا كَانَتْ بِحِيلَةٍ حَفِظَتْ مَالَهَا وَ مَالَ بَعْلِهَا وَ إِذَا كَانَتْ جَبَانَةً فَرَقَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يَغْرَضُ لَهَا» (حکمت/۲۳۴):

برخی از نیکوترین خلق و خوی زنان، زشت‌ترین اخلاق مردان است، مانند: تکبر، ترس، بخل. هرگاه زنی متکبر باشد، بیگانه را به حریم خود راه نمی‌دهد، و اگر بخیل باشد اموال خود و شوهرش را حفظ می‌کند، و چون ترسان باشد از هر چیزی که به آبروی او زیان رساند فاصله می‌گیرد.

- «الْمَرْأَةُ شَرٌّ كُلُّهَا وَ شَرُّ مَا فِيهَا أَنَّهُ لَا بُدَّ مِنْهَا» (حکمت/۲۳۸): زن و زندگی، همه‌اش زحمت و دردسر است و زحمت بارتر این که چاره‌ای جز بودن با او نیست.

۲-۲-۱. گروهی که سخنان امام را حمل به ظاهر کرده‌اند

۲-۲-۱-۱. شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید

نگاه ابن‌ابی‌الحدید (۵۸۶-۶۵۵) شارح معتزلی، نگاهی منحصر به فرد است. او می‌کوشد تا با ارجاعات تاریخی و نقل داستان‌ها و ضرب‌المثل‌ها و نقل قول‌های مستقیم از افراد، کلام حضرت را به گونه‌ای خاص و در لفافه، تفسیر نماید. ذکر وقایع و داستان‌های طولانی و خودداری از پرداختن به اصل موضوع مورد نظر، ذهن مخاطب را منحرف کرده، بعضاً از حقیقت دور می‌نماید. به‌عنوان مثال در خطبه ۱۳، ذیل عبارت «كُنْتُمْ جُنْدُ الْمَرْأَةِ...»، پس از اینکه اشاره امام به این زن را متوجه عایشه می‌داند، به وقایع جنگ جمل و رجزهایی که در جنگ خوانده‌شده و نحوه پیروزی سپاه امام در این جنگ پرداخته است و به هیچ‌وجه به این موضوع اشاره نمی‌کند که چرا امام (ع) در مذمت و نکوهش اهل بصره، آن‌ها را تحت عناوین مختلف، از جمله اینکه شما لشکر یک زن بودید، تحقیر می‌نماید (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۳۷: ۲۵۵/۱-۲۶۶).

وی در شرح خطبه معروف امام درباره زنان، بدون پرداختن به جملات دیگر، به‌طور صریح اعلام می‌کند که: «وهذا الفصل كله رمز إلى عائشة» و خطاب را، مستقیماً متوجه عایشه دانسته و به‌صورت مفصل، از حوادث جمل و نحوه حضور عایشه در این رخداد خودساخته سخن گفته و از پرداختن به موضوع نقص در زنان سرباز زده است. او سخنان و نامه‌های ام‌سلمه را ذکر می‌کند که عایشه را موعظه نموده و از رویارویی با کسی که در نزد پیامبر اکرم (ص) مشمول آن‌همه مناقب بوده است، برحذر می‌دارد (همان: ۲۱۴/۶-۲۲۹). از سخنان ابن‌ابی‌الحدید برمی‌آید که پرداختن وی به رفتارهای عایشه، تلویحاً تأیید وجود

نقایص سه‌گانه در او به‌عنوان یک زن است.

در کلام این شارح بزرگ، گونه‌ای از ملایمت نسبت به جنس زن تا حدودی مشهود است؛ آن‌چنان‌که در شرح حکمت ۲۳۴، در اینکه چرا این خصائص برای وجود زنان شایسته‌اند، بقای زندگی مشترک و اهمیت عنصر محبت را مدنظر قرار داده و به سخنی حکمت‌آمیز از افلاطون ارجاع می‌دهد که براساس ویژگی‌های ذاتی زن و مرد، صدای زن باید فروتر، خشم گرفتنش کمتر و دلش سست‌تر از دل مرد باشد و معتقد است اگر زن به‌اندازه‌ای در هریک از موارد نامبرده بر مرد فزونی پیدا کند، به همان اندازه میان آن دو شکاف و تنافر پیش می‌آید (همان: ۶۵/۱۹).

سخنان ابن‌ابی‌الحدید را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود: بخش اول که بیانات امام را منحصر در عایشه می‌داند؛ همچون خطبه‌های ۱۳، ۸۰، ۱۵۶ و ۱۵۳؛ و بخش دوم که مقصود امام را متوجه تمام زنان پنداشته است: همچون حکمت‌های ۲۳۸، ۲۳۴، ۱۳۶، ۶۱ و نامه‌های ۳۱ و ۱۴. در اغلب موارد، نظرات ابن‌ابی‌الحدید، تفسیر به اعتبار ظاهر هستند. لازم به ذکر است که رویکرد علامه شوشتری (۱۲۸۱ش-۱۳۷۴ش) در بهج‌الصباغة (ر.ک. شوشتری، ۱۳۷۶: ۳۰۲/۱۴-۳۴۰-۵، ۵۰۵/۵، ۹۴/۱۰-۱۴؛ ۱۴۱/۱۳-۱۴۱۷) مشابه و نیز سید عباس موسوی (ر.ک. موسوی، ۱۳۷۶: ۱۷۱/۴-۱۷۲؛ ۴۹۲/۲) در شرحش بر نهج‌البلاغه، مشابه رویکرد ابن‌ابی‌الحدید است. با این‌وجود پرداختن به برخی مسائل غیرمرتبط با موضوع و پاسخ به برخی عقاید اهل سنت، در شرح علامه شوشتری ملاحظه می‌شود.

۲-۱-۲-۲. شرح نهج‌البلاغه ابن‌میثم (مصباح‌السالکین)

ابن‌میثم (۶۳۶-۶۷۹) در شرح خود بر نهج‌البلاغه، ویتیرینی از نقایص را با نام زن، به همگان معرفی می‌نماید. وی در شرح خطبه ۸۰ و در تفسیر نقصان عقل زنان معتقد است این نقصان دو دلیل دارد: یک دلیل درونی که همان کمبود استعداد ذاتی در زنان و موجب کمی عقل است و دلیل دوم، علت بیرونی و آن معاشرت کم‌ایشان با اندیشمندان و عقلاست (ابن‌میثم بحرانی، ۱۳۶۶: ۱۸۸/۲).

شارح در شرح حکمت ۲۳۸ اعتقاد دارد که مقصود امام آن است که تمامی حالات زن از جمله هزینه‌های مادی و کام‌جویی که باعث دوری از خدا و غفلت از بندگی می‌گردند، برای مرد بد است؛ لکن مرد مجبور به تحمل بدی‌ها و زحمات زن است و چون سبب همیشه مهم‌تر از مسبب است، بنابراین همین نیاز مبرم به زن، بالاترین بدی زن است (همان: ۶۳۳/۵).

ابن‌میثم در شرح خطبه ۱۵۳ معتقد است که زنان با پیروی از دو نیروی شهوی و غضبی، فکرشان را به زیور دنیا و ایجاد فساد در زندگی مشغول می‌سازند؛ لذا کسی که فرمان‌بر این دو نیروست در زمره زنان به شمار می‌آید. ابن‌میثم پس از آن به سخنان ابن‌ابی‌الحدید که باطن سخنان مذکور را اشاره به سران جمل می‌داند، استناد می‌کند (همان: ۳۲۲-۳۲۴).

علاوه بر شرح ابن‌میثم باید گفت حجم وسیعی از مطالب کتبی همچون شرح نهج‌البلاغه عزالدین آملی (م ۹۰۴ق) (ر.ک. آملی، ۱۳۵۵: ۲۷۸-۲۷۹)، الدرّة النجفیة ابراهیم بن حسین خوئی (۱۲۴۷ق-۱۳۲۴ق) (ر.ک. خوبی، بی‌تا: ۷۱، ۱۲۱، ۱۸۸، ۳۰۵)، شرح منهاج‌البراعة فی شرح نهج‌البلاغه آیت‌الله میرزا حبیب‌الله

خوبی (۱۲۶۵ق-۱۳۲۴ق) (ر.ک. خوبی، ۱۳۵۸: ۱/۴۱، ۳/۱۸۸-۱۸۹، ۴/۲۵۲-۲۵۳، ۵/۳۰۳-۳۲۲، ۹/۲۲۳-۲۲۶، ۱۸/۱۶۶-۱۶۸، ۲۱/۲۱۰-۲۰۸) و نیز حدائق‌الحقائق فی شرح نهج‌البلاغه بیهقی کیدری (ر.ک. بیهقی کیدری، ۱۳۷۵: ۱/۶۷۱ و ۳۷۵-۳۷۶، ۲/۶۴۳) بسیار مشابه دیدگاه‌های ابن‌میثم است که برای رعایت اختصار به آن‌ها پرداخته نمی‌شود.

همچنین دیدگاه احمد مدرس وحید (۱۳۳۴ش-۱۳۶۳ش) در شرحش بر نهج‌البلاغه (ر.ک. مدرس وحید، بی تا: ۱۱۷-۱۶۶) بسیار مشابه نظرات ابن‌میثم و ابن‌ابی‌الحدید است.

۲-۱-۳. فی ظلال نهج‌البلاغه

آیت‌الله محمدجواد مغنیه (۱۳۲۲ق-۱۴۰۰ق) در شرح خود به سخنان محمد عبده بسیار استناد کرده و ارجاع می‌دهد؛ بنابراین در کنار بررسی نظرات ایشان به دیدگاه عبده نیز پرداخته می‌شود. از دیدگاه علامه مغنیه، جدال درباره زن و خصائص و حقوقش، همچون معمایی مجهول تا قیامت باقی خواهد ماند (مغنیه، ۱۳۵۸: ۱/۳۷۳).

شارح در مورد عبارت «الْمَرْأَةُ عَقْرَبٌ...» منظور از «لَبْسَةٌ»، «لَسْعَةٌ» یعنی گزیدن می‌داند. البته عبده معتقد است لیسسه از لباس می‌آید؛ یعنی زن برخلاف کژدم، لباس زیبا بر تن دارد (بی تا: ۱/۶۴۳) که این نظر به آیه ۱۸۷ سوره بقره نزدیک‌تر است؛ اما آن چیزی که او فهمیده این است که طبیعت زن و مرد یکسان، اما وظایفشان متفاوت است. آنچه سبب شده امام علی(ع) زن را به کژدم تشبیه نماید، این است که زن بر مرد، زود خشم گرفته و همه نیکی‌هایش را به اندک ناراحتی از بین می‌برد و با حرکات ناپسند، مردش را می‌آزارد. امام به مردان توصیه می‌کنند که در برابر بدرفتاری‌های زنان، صبور باشند؛ زیرا زن هم انسان است و به دلیل خوبی‌ها و فواید بسیاری که دارد، زندگی با او گواراست (مغنیه، ۱۳۵۸: ۴/۲۵۲-۲۵۳).

وی مراد از کفر در عبارت «غَيْرَةُ الْمَرْأَةِ كُفْرٌ وَ غَيْرَةُ الرَّجُلِ إِيمَانٌ» را گناه و منظور از ایمان را طاعت و عبادت می‌داند. به اعتقاد مغنیه، مقصود حضرت این است که زن هنگامی که همسرش زن دیگری را اختیار نماید، به اقتضای سرشتش ناراحت می‌شود؛ اما اگر بردباری ورزیده و خشمگین نشود، اجر او با خداست و اگر ناسازگاری کند، متجاوز از حد الهی و گناهکار است. اما غیرت مرد طبق فرمایش امام در نامه ۳۱، اگر بیش از اندازه و بی‌جا و بی‌مورد نباشد، بدان سبب که نوعی بازداشتن از گناه و خیانت است، جزئی از ایمان محسوب می‌شود (همان: ۴/۲۹۵). بررسی مجموع سخنان محمدجواد مغنیه نشان می‌دهد که وی اغلب، به اعتبار ظاهر، به شرح کلام حضرت پرداخته است.

۲-۱-۴. کتاب «زن در نهج‌البلاغه» نصرت‌الله جمالی

نویسنده این کتاب، در قالب نوشتاری کم‌حجم، جایگاه زن در نهج‌البلاغه را از دیدگاه خود مورد مذاقه قرار داده است. از این کتاب می‌توان چنین برداشت نمود که منظور امام در تمام سخنانشان، عایشه است؛ اگرچه که در برخی جاها معنای عام نیز به ذهن متبادر می‌شود (جمالی، ۱۳۸۱: ۸-۲۲).

۲-۲-۲. گروهی که به توجیه منطقی کلام امام پرداخته‌اند

۲-۲-۲-۱. ترجمه و تفسیر نهج البلاغه علامه محمدتقی جعفری

علامه محمدتقی جعفری (۱۳۰۴ ش - ۱۳۷۷ ش)، شارح معاصر نهج البلاغه، در شرح ناتمام خود که به نظر می‌رسد وسیع‌ترین شرح نهج البلاغه از نظر کمیت باشد، مسائل مختلف در بیانات امام را با رویکردی فلسفی، عرفانی و... مورد دقت نظر قرار می‌دهد.

وی برای تفسیر خطبه ۸۰، مسأله زن و مرد و رابطه میان آن‌ها را به صورت بسیار مشروح بیان نموده است تا بتواند با انجام تحقیقی بی‌طرفانه و واقع‌بینانه، گره از معمای دیرینه رابطه زن و مرد بگشاید. وی قبل از ورود به بحث و توضیح این معمای بزرگ و عوامل ایجادکننده آن، ناتوانی بشر برای تنظیم روابط معقول میان زن و مرد را با وجود جریان تکامل بشریت، بررسی نموده است. او خود را منکر ترقیات بشر و عبور انسان از مراحل ابتدایی تکامل نمی‌داند، لکن سؤالاتی را مطرح می‌نماید؛ از جمله اینکه چرا با وجود همه این پیشرفت‌ها، در تمامی زمینه‌ها، مسأله زن و مرد، از حالت مسأله بودن به معما تبدیل شده است؟ شارح ابتدا به تفسیر کلمه «نقص» در ابتدای هر سه عبارت بیان نواقص زن پرداخته است و مقصود از نقص در اینجا را کاهش ارزش انسانی نمی‌داند، بلکه آن را بیان حد زن در برابر حد مرد دانسته که نمایش نقص کمی است نه نقص کیفی، که در حقیقت معیار و ملاک ارزش‌هاست. شارح سپس با در نظر گرفتن این مقدمه به شرح کوتاهی از نواقص الایمان پرداخته و معتقد است که مقصود از ناقص بودن ایمان زن در این عبارت، نقص رابطه‌اش با خالق نیست - کما اینکه زن در دوران قاعدگی می‌تواند در اوقات نماز، ذکر خداوند را به جا آورد و روزه‌هایی را که از او فوت شده بعداً به جا آورد - بلکه حالتی استثنایی و موقت است که به علت عارض شدن حالتی بر جسم وی و ایجاد تغییراتی در روح و روانش از فشار تکلیف نماز و روزه آزاد می‌گردد (جعفری، ۱۳۷۶: ۳۶۲۷/۱۱ - ۳۶۳۰).

علامه پس از بررسی موضوع، بیان می‌دارد که در برابر امتیازاتی که زن در متن حیات دارد، توانایی مرد در عقل نظری محض، بیشتر است؛ اما این برخورداری، برای مردان ارزش انسانی محسوب نمی‌شود؛ زیرا فعالیت‌های تجربیدی و تعمیمی که در مغز مردان بیشتر از مغز زنان است، تضمین‌کننده ارتباط آن فعالیت‌ها با واقعیت نیست (همان: ۳۶۰۰/۱۱ - ۳۶۰۶). علامه جعفری معتقد است که هر سه نقص نسبت داده شده به زنان در این خطبه قابل توجیه و تفسیرند و غایت امام علی (ع)، اشاره به مختصات روبروایی زندگی مرد و زن است، نه تفاوت شخصیت انسانی آن‌ها (همان: ۳۶۴۱/۱۱).

شارح در شرح عبارت «نَوَاقِصُ الْخُطُوبِ» که در واقع تفاوت میان دو جنس در سهم الارث است، به آیه ۱۱ سوره نساء اشاره می‌کند که سهم مردان را دو برابر زنان می‌داند. او یادآور می‌شود که این قانون در همه مسائل ارث کلیت ندارد؛ از جمله اینکه اگر وارثان فقط پدر و مادر و یک پسر باشند، مال شش قسمت شده و چهار قسمت به پسر و به هر کدام از پدر و مادر، به طور مساوی، یک بخش می‌رسد یا سهم الارث فرزندان برادر و خواهر مادری، به طور مساوی بین زن و مرد تقسیم می‌شود. در مواردی که مرد دو برابر زن ارث می‌برد، به این دلیل است که زن‌ها از شرکت در مسائل اقتصادی جامعه معذورند و تهیه وسایل

زندگی‌شان بر مردان واجب است و نیز مردان بیشتر در معرض نوسانات اقتصادی قرار می‌گیرند؛ درحالی‌که زن همچون مرد در معرض سود و زیان اقتصادی نیست. نکته مهم اینکه مهریه زن هم می‌تواند به‌نوعی جبران سهم‌الارثش باشد. در جمع‌بندی این بخش از سخنان علامه جعفری می‌توان گفت مطابق شواهد کافی، مقصود حضرت علی(ع)، نقص واقعی ایمان و عقل به‌طور عموم و سهم‌الارث به‌طور کلی نیست؛ چراکه اسناد این نواقص به زن‌ها مخالف قرآن است؛ لذا سخنان امام درباره توضیح موقعیت حقیقی زنان، پس از جنگ جمل، برای آگاهی بخشیدن به عایشه بوده که با دستیاری طلحه و زبیر غائله جمل را ایجاد کرده‌اند و درواقع، به یک‌سری ویژگی‌های روئائی در زن اشاره می‌کنند که به زنان یادآوری شود آرزوی مرد شدن و انجام کارهای مردانه را نداشته باشند (همان: ۳۶۴۰/۱۱-۳۶۴۲). این شیوه نگرش به موضوع، از سوی نویسندگان مقاله «جایگاه و حقوق زن در نهج‌البلاغه» نیز تکرار شده است (صارمی گروهی و مجیدی، ۱۳۹۱: ۳۱-۴۲).

علامه در شرح خطبه ۱۵۳ و اشاره امام به صفت خودخواهی در انسان و نمود ظاهری آن، معتقد است مادامی‌که زن یا مرد خودخواهی خود را تعدیل نکنند، هرکدام برای اجابت سرکشی‌های این بیماری، به‌گونه‌ای خاص عمل می‌کنند؛ مرد به‌وسیله کسب قدرت و سلطه‌گری، ثروت‌اندوزی و شهرت‌طلبی و زن به‌وسیله بی‌اعتنایی به اصول مقرر؛ علی‌الخصوص اگر زن به میزان ناتوانی جسمی‌اش در برابر مرد متوجه شود، به‌جای فعلیت بخشیدن به ظرفیت‌های خود، بنای اخلاص‌گری می‌گذارد و البته این پدیده به شکلی متفاوت در مردان هم وجود دارد (همان: ۸۲/۲۵-۹۴).

در جمع‌بندی کلام این شارح و فیلسوف بزرگ، می‌توان گفت که ایشان در شرح ناتمام خود بر نهج‌البلاغه، تلاش نموده‌اند تا با استناد به آیات قرآن و ویژگی‌های روان‌شناختی زنان، کلام امام را تفسیر نمایند. محتواگرایی و توجه به مفهوم، در شرح ایشان نمایان است.

برخی مقالات معاصر، ادله علامه جعفری را پذیرفته و به آن پرداخته‌اند. ازجمله مقاله «تحلیلی بر خطبه ۸۰ نهج‌البلاغه» که نویسنده آن، با استناد به سخن علامه، مسأله عدم مخالفت با قرآن و عقل را دو اصل مهم در ارزیابی احادیث می‌داند و نتیجه می‌گیرد که یا روایات از معصوم(ع) نیست -همان‌طور که سند آن دارای شفافیت لازم نیست- و یا اگر صادر شده باشد، تسرع در پذیرش دلالت آن، وجهی ندارد (علایی رحمانی، ۱۳۸۳: ۱۱۲-۱۳۴).

۲-۲-۲-۲. «شرح پیام امام امیرالمؤمنین» از مکارم شیرازی

مکارم شیرازی (۱۳۰۵) در شرح تازه و جامع خود بر نهج‌البلاغه، تلاش نموده است به‌گونه‌ای منطقی و به‌دوراز تظاهر، به شرح و تفسیر سخنان امام علی(ع) درباره زن بپردازد و نه همچون گروهی که در شخصیت انسانی زن تردید کرده‌اند و او را از انسانیت تنزل داده‌اند، راه تفریط را بیمایند و نه به‌مانند گروهی که او را به‌عنوان جنس برتر معرفی کرده و به زن‌سالاری در جامعه روی آورده‌اند، به افراط بگرایند. از دیدگاه وی، این افراط‌وتفریط‌ها درباره تعریف شخصیت زن، در وادی تفسیر کلام امام در نهج‌البلاغه هم راه پیدا کرده است؛ به‌طوری‌که گاه در سند این سخنان تردید شده و به‌گونه‌ای درباره آن بحث شده

است که کوچک‌ترین غباری از نقص بر دامان زن نشیند و گاه در باب تفریط، برخی زن را مجموعه‌ای از کاستی‌ها نشان داده‌اند. شارح معتقد است نباید در تفسیر متون مذهبی درباره زن، شعارگونه رفتار شود و این متون به‌نحوی تبیین شوند که صرفاً موجب خوشامد زنان گردد؛ چنان‌که امروزه تفاوت شعارها با واقعیت‌ها، مشکلات فراوانی را پدید آورده است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۲۸۸/۳).

او در شرح مفصل خود بر خطبه ۸۰ معتقد است امام در این خطبه به‌طور یقین به مذمت زنانی پرداخته که همانند آتش‌افروز جنگ جمل و پیروان گفتار و رفتار او، به سبب کمبودهای خویش، به کارهای خلاف، دست می‌زنند؛ لذا موجبات نکوهش امام را فراهم آورده‌اند و در حقیقت حضرت، مؤمنان را از القائات سوء آن‌ها برحذر می‌دارند (همان: ۲۸۶-۲۸۹/۳).

شارح در شرح حکمت ۶۱ معتقد است که امام به یکی از ویژگی‌های متضاد زنان اشاره می‌نماید و از شوهران زنانی که روح آن‌ها از ایمان سیراب نشده و حالت گزندگی به خود گرفته‌اند، می‌خواهد که به دلیل فواید وجودی زنان، نیش‌های آن‌ها را تحمل نمایند؛ به عبارت دیگر در کنار نیش‌های زن، نوش‌های فراوانی هم وجود دارد که نیش‌ها را قابل تحمل، بلکه شیرین می‌کند (همان: ۳۷۶/۱۲).

۲-۲-۳. کتاب «زن در آیینة جلال و جمال» از جوادی آملی

مهم‌ترین مسأله‌ای که جوادی آملی (۱۳۱۲) به آن پرداخته، رفع شبهه نقصان زن است. وی پس از ذکر خطبه ۸۰ و اشاره به احادیث نزدیک به این مضمون از رسول خدا(ص) در بحارالانوار، ریشه ستایش‌ها و نکوهش‌ها در برخی روایات را متذکر می‌شود و خاطر نشان می‌نماید که بخشی از نکوهش‌های زن در نهج‌البلاغه ظاهراً به جنگ جمل برمی‌گردد؛ همان‌گونه که اهل بصره درحالی که رجال علمی فراوانی تربیت کرده‌اند، مورد نکوهش واقع شدند و با گذشتن از آن مقطع زمانی، زمینه ملامت و نکوهش برطرف شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۲۰۱-۲۰۲). از سوی دیگر، اگر طبق خطبه ۸۰، نقصانی در ایمان زن باشد، ۶ سال بلوغ زن قبل از مرد می‌تواند این نقص را ترمیم کند و اگر زن از این ۶ سال استفاده عالی نماید، به عظمتی فزون‌تر خواهد رسید و اینجا سیر بیان امام در عبارت «الْمَرْأَةُ رَيْحَانَةٌ» بیشتر نمایان می‌شود؛ اگر این زن که ریحانه است دیر تحت تربیت الهی قرار گیرد، ضایع می‌شود. اگرچه ممکن است راه‌های عاطفی، زمینه‌های انحراف زن را فراهم نمایند، لیکن تکالیف شرعی این خصیصه را تعدیل می‌نمایند و موجب می‌شوند زن به انحراف نرود (همان: ۲۰۹). وی درمجموع معتقد است وجود زن و مرد باید با توجه به اصول خاصی ارزیابی شوند و طبق آن معلوم می‌گردد که میان زن و مرد تفاوتی نیست و همان‌گونه که در زندگی، کارهای محکم لازم است، کارهای ظریف هم لازم است. زندگی همه‌اش نه عطر است و نه آهن و درعین حال که هر دو فضائل فراوانی دارند، لیکن وجود گل بدون آهن و بالعکس شدنی نیست (همان: ۲۰-۲۱).

۲-۲-۴. مقاله «زن در نهج‌البلاغه پاسخ به چند شبهه»

نویسنده این مقاله، در باب خطبه ۸۰، به سخنی از مقام معظم رهبری اشاره می‌کند که نباید چون خطبه، فاقد سند است، از بررسی متن آن صرف‌نظر شود؛ بلکه باید با بررسی آن دشمنان اسلام را ناامید ساخت.

وی معتقد است نباید گفته شود مخاطب حضرت در این خطبه عایشه است؛ چراکه ادامه خطبه درباره تمام زنان است و از طرفی اختصاص این خطبه به یک شخص، یعنی اینکه نهج‌البلاغه فقط مربوط به آن زمان بوده است و برای مسائل روز حرفی ندارد و مهم‌تر از همه اینکه این توهین به امام معصوم است که از روی عصبانیت حرف زده است. وی در واقع تفسیر ابن‌ابی‌الحدید، ابن‌میثم، علامه خوبی و علامه جوادی آملی را پیرامون اینکه منظور امام، عایشه است، رد می‌کند و منظور از نقص راه، نقص کمی - و نه کیفی - می‌داند که قابل جبران است (پورحسینی، ۱۳۷۹: ۱۹۰-۲۰۲)؛ به عبارتی، نقص در اینجا به معنی کمبود عددی و مقداری است و این لزوماً معنای نقص در کیفیت را نمی‌رساند و ملاک ارزش‌گذاری نیست.

۲-۲-۲-۵. مقاله «جایگاه حقوقی زن در نهج‌البلاغه»

حاصل کلام این مقاله این است که حضرت در خطبه ۸۰، سیمای زن در جامعه و دلایلی که موجب شده با حقارت به او نگاه شود را ترسیم نموده‌اند و به‌جای استفاده از بیان مستقیم و رد باطل، خود را در کنار اهل باطل قرار می‌دهند تا تحریک احساسات مردم به وقوع بپیوندد و سپس ریشه‌های این تفکر نادرست را بیان نموده، فطرت‌های پاک همه مردم را به داوری فرامی‌خوانند (برقی، ۱۳۸۳: ۱۳۵-۱۷۰).

۲-۲-۲-۶. مقاله «زن در نهج‌البلاغه با نگرش روان‌شناختی»

بررسی جایگاه زن در نهج‌البلاغه با نگرش روان‌شناختی، موضوعی است که مریم معین‌الاسلام در چهار قسمت به آن پرداخته است. به عقیده نویسنده، یکی از اصولی که برای فهم مقصود امام در رابطه با زنان باید موردتوجه قرار گیرد، مصادر کلام حضرت، توجه به رسالت آسیب‌شناسی دینی از سوی امام و جلب‌توجه مردم در طول تاریخ به آن است، تا بدین ترتیب اسلام نیز از گزند بلایا محفوظ بماند. از نظر وی، محدودیت عقل نظری در زنان به عرصه دین‌داری آنان آسیب و خللی وارد نمی‌سازد، بلکه زن می‌تواند خیلی سریع‌تر با خداوند ارتباط برقرار نماید؛ بنابراین زنان در عرصه دین‌باوری و دین‌مداری به سبب برخوردار بودن از بینش درونی قوی، از مردان جلوترند. حضرت علی(ع) در بحث نقصان ایمان، درصدد هستند که حد تکالیف شرعی زنان و تفاوت‌های آن‌ها با مردان را متذکر شوند. وجود هیجانات نیز از تفاوت‌های زن و مرد است. روان‌شناسان بر این باورند که زنان هیجانی‌تر از مردان هستند و این به تفاوت در عکس‌العمل‌ها در مقابل حوادث می‌انجامد. این نکته‌ای است که حضرت در جنگ صفین هنگام رویارویی با دشمن، در نامه ۱۴ به یاران خود گوشزد نمودند و به کم بودن نیروی تحمل زنان و غلبه عواطف آن‌ها بر عقلشان اشاره کردند (فروردین، ۱۳۹۱: ۲۰-۲۵؛ ۱۳۹۱: اردیبهشت، ۱۳۹۱: ۲۲-۲۵؛ خرداد، ۱۳۹۱: ۱۰-۱۵؛ تیر، ۱۳۹۱: ۱۰-۱۳).

۲-۲-۲-۷. مقاله «معنی‌شناسی ایمان در احادیث ائمه النساء نواقص الایمان»

بررسی سندی روایاتی با مضمون نقص ایمان زنان، نخستین بخش این مقاله است. نتایج مقاله نشان می‌دهد که روایت نواقص‌الایمان در نهج‌البلاغه، در برخی منابع سند متصلی ندارند و آنچه در نهج‌البلاغه هم آمده، بدون سند نقل شده است. برخی از روایات دیگر با همین مضمون در حد استفاضه^۱ هستند و

۱. خبر مستفیض، روایتی است که از خبر واحد فراتر باشد و به حد تواتر نرسیده است (میرزای قمی، بی‌تا: ۴۲۹-۴۳۰).

طبق نظر برخی از علماء، با توجه به اعتبار کتب منبع این روایات، مناقشه‌سندی جز در موارد تعرض روا نیست. مؤلفان در مجموع معتقدند که جعلی بودن روایات در این زمینه، وجهی ندارد و از طرفی با توجه به بیان حکم شرعی که انجام برخی فرایض در ایام حیض است، می‌توان اطمینان به دست آورد که این حدیث از معصوم است؛ بنابراین به بررسی دلالت و محتوای آن پرداخته و منظور حضرت را این می‌دانند که زنان به علت نقص ایمان (آرامش) از انجام برخی فرایض شرعی معافاند، نه این که ترک نماز و روزه، علت نقص ایمان آن‌ها باشد. در واقع در این عبارت مبتدا، علت خیر است (طباطبایی امین و افسردیر، ۱۳۹۲: ۵۱-۷۱).

۲-۲-۳. افرادی که سند بیانات امام(ع) در مورد زنان را خالی از اشکال نمی‌دانند

۲-۲-۳-۱. کتاب «زن در نهج البلاغه»

خانم نجوی صالح الجواد موضوع زن در نهج البلاغه را به طور مفصل بررسی کرده است. او سند تمام خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌های مرتبط با زن در نهج البلاغه را از کتاب «مصادر نهج البلاغه و اسانیده» ذکر می‌کند و معتقد است این اسنادی که ذکر شدند دلیل بر صحت قطعی حدیث‌ها نیستند، بلکه مراجعه به کتب رجال و سند روایات ضروری و واجب است (صالح الجواد، ۱۳۸۴: ۳۶). او سپس توجه و عنایت آیات قرآن به زن را یادآور می‌شود و بر این اساس، زن و مرد را در اصل خلقت، ایمان، کمال عقلی، مشورت و امر به معروف یکسان و برابر می‌داند (همان: ۴۳-۵۶). او نقد صریح و تندی را به شارحان نهج البلاغه وارد می‌سازد و معتقد است اعتقادات و فرهنگ‌های ممزوج شده با اسلام در منش آن‌ها کاملاً مؤثر بوده و حضرت علی(ع) را زن‌ستیز معرفی کرده‌اند؛ در واقع عقاید آن‌ها نوعی توهین به حضرت محسوب می‌شود (همان: ۷۹-۸۰). با اینکه مؤلف معتقد است راهی جز رد کردن این گونه کلام‌ها به دلیل عدم اطمینان از صدورشان وجود ندارد، ولی از لحاظ ارزش تربیتی، تعبیر منسوب به امام را تفسیر می‌نماید. از منظر وی، امام خصوصیات خوب زن در برخورد با نامحرمان را در حکمت ۳۳۴ بیان فرموده است؛ به همین جهت تکبر که از نظر قرآن کریم مذموم بوده و متکبر، دوست شیطان است، برای زن در برخورد با مرد نیکو می‌شود تا بیمار دل بر او طمع نورزد و یا بخل و ترس مذموم در روایات، با همین دیدگاه برای زن ممدوح و پسندیده می‌شوند (همان: ۱۰۰).

او برخلاف رویکرد اغلب شارحان در شرح این بیانات، به اصل تخصیص نصوص پایبند بوده و معتقد است سخنان امام با توجه به شرایط، متوجه فرد یا گروه خاصی از زنان بوده است (همان: ۱۰۱-۱۰۲). در نهایت وی با وجود ارائه تفاسیر فوق، عمیقاً معتقد است احادیثی که در نهج البلاغه آمده، مرسل و بدون سند است و بنابراین قابل پذیرش و مورد اعتماد نیستند (همان: ۱۲۶).

۲-۲-۳-۲. مقاله «پایگاه اجتماعی زن در نهج البلاغه»

نویسنده این مقاله، ضمن پرداختن پراکنده به خطبه ۸۰ و نامه ۳۱، انتساب آن‌ها را به حضرت علی(ع) به طور قطعی مردود می‌داند (ثقفی، ۱۳۸۵: ۶۱-۸۸).

۲-۲-۳. مقاله «Was Imam YAli a Misogynist?»

خانم امینه اینلوز، نویسنده تازه‌مسلمان مقاله «آیا امام علی(ع) زن‌ستیز بود؟ تصویر زن در نهج‌البلاغه و کتاب سلیم بن قیس»، به کلی انتساب سخنان مربوط به زنان در نهج‌البلاغه را به امام علی(ع) رد می‌کند (Inloes: 2015: 325-365).

۲-۲-۴. گروهی که نسبت زن‌ستیزی به امام داده‌اند**۲-۲-۴-۱. مقاله «سیمای زن در نهج‌البلاغه»**

نویسنده این مقاله سرشار از توهین، برای شرح کلام حضرت و اثبات زن‌ستیزی ایشان، به دیدگاه اغلب شارحان و نظریه‌پردازان از جمله ابن‌ابی‌الحدید، اشاره نموده و به این نتیجه می‌رسد که زن‌ستیزی امام علی(ع) مشهود و واضح است (جاوید، ۲۰۰۸).

در پایان این بخش لازم به ذکر است که کتبی همچون شرح نهج‌البلاغه دخیل، منهج‌البراعه راوندی، تصنیف نهج‌البلاغه و نیز بسیاری دیگر از مقالات در این زمینه بررسی شدند و اغلب، مطلب جدید و خاصی برای ارائه در این خصوص نداشتند و به جهت رعایت اختصار، کنار گذاشته شدند.

۳. نتیجه‌گیری

نظرات و دیدگاه‌های مختلف شارحان و محققان پیرامون کلام امام علی(ع) درباره زن، به چهار گونه تقسیم می‌شوند:

گروه اول شامل عده‌ای از شارحان از جمله ابن‌ابی‌الحدید، محمدجواد مغنیه و ... بیانات حضرت، راجع به زن را حمل به ظاهر نموده و با استناد به برخی شرایط جسمی و روحی زن، وی را حقیقتاً ناقص‌العقل و ناقص‌الایمان دانسته‌اند.

گروه دوم که همگی شارحان و نویسندگان معاصر هستند، جانب احتیاط را بسیار رعایت کرده و تلاش می‌کنند به گونه‌ای که شأن زنان خدشه‌دار نشود، کلام امام علی(ع) را درباره زن تفسیر نموده و نسبت زن‌ستیزی را از ایشان دور کنند و البته محافظه‌کاری در سخنان برخی آشکار است و بعضاً در انتساب تمامی این بیانات به امام، تشکیک می‌کنند؛ همچون مکارم شیرازی و علامه جعفری و جوادی آملی. گروه سوم، به کلی سند چنین روایاتی در نهج‌البلاغه را خدشه‌دار می‌دانند؛ همچون خانم امینه اینلوز و یا خانم نجوی صالح‌الجواد یا نویسندگان مقاله «بررسی روایات امام علی(ع) در توصیف ویژگی‌های فردی زن» (فتاحی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۵-۸۰).

گروه چهارم همچون نویسنده مقاله «سیمای زن در نهج‌البلاغه»، راه عناد در پیش گرفته، در فرافکنی آشکار، با نگاه کاملاً سطحی‌نگرانه، امام علی(ع) را زن‌ستیز دانسته، بدین ترتیب، به اسلام می‌تازند.

در باب گونه‌شناسی این سخنان، ذکر برخی موارد ضروری به نظر می‌رسد:

۱- تقریباً در خلال غالب نظرات، به نوعی مصادره به‌مطلوب نمایان است؛ بدین معنی که نظریه‌پردازان هر گروه تلاش کرده‌اند که مقدماتی را که از نظر خودشان صحیح است، به گونه‌ای کنار یکدیگر

قرار دهند که آنچه در ذهن دارند، اثبات شود.

۲- آنچه در نوع دیدگاه محققان به وضوح به چشم می‌خورد، اثرپذیری آن‌ها از محیط جغرافیایی زندگی و شرایط اجتماعی و دینی و مذهبی است که به آن مقید هستند که البته شدت و ضعف این اثرپذیری، در هر کدام متفاوت است. به طور مثال آن‌چنان که ملاحظه می‌شود افرادی که پس از تألیف نهج البلاغه و نزدیک به عصر تألیف، شرح نوشته‌اند، با توجه به فرهنگ حاکم آن روزگاران، سخنان حضرت را تأیید نموده‌اند و با هیچ‌گونه اعتراضی مواجه نبوده‌اند! اما نویسندگان و شارحان امروزی، در شرایطی بر بیانات حضرت درباره زن، شرح نوشته‌اند که بحث دفاع از حقوق زن، بیشتر مطرح است و ناگزیر از ارائه سخنانی هستند که با شرایط روز مطابقت داشته باشد و به اعتقاد خودشان حیثیت اسلام به خطر نیافتد و می‌بینیم که از سخنانی که دقیقاً مشابه شارحی قدیمی است، نتیجه کاملاً متفاوتی را گرفته‌اند.

۳- نکته مهم دیگر آنکه نوآوری در نظرات اکثر شارحان وجود ندارد و اغلب، با توجه به نظرات شارحان قبلی در این باب سخن رانده‌اند.

۴- به نظر می‌رسد نظرات شارحان معاصر نسبت به زن منطقی‌تر بوده و با مبانی قرآنی، سازگاری بیشتری دارند و اگرچه در برخی از این دیدگاه‌ها بعضاً اغراق و موضع‌گیری به نفع زن وجود دارد، نسبت به سخنان محققان پیشین و متقدم، دقیق‌تر نتیجه‌گیری نموده‌اند. همچون دیدگاه علامه جعفری و جوادی آملی که سرمنشأ تفکرات بسیاری از محققان امروزی هستند.

علاوه بر این، از این نکته نباید غافل گشت که تفاوت‌های زن و مرد در عقل و احساس و نیز تفاوت‌های جسمی و روحی این دو جنس، امری بدیهی و اثبات شده است که چه بسا این موضوع، مدنظر امام بوده است. پرداختن به بحث تفاوت‌های روان‌شناختی مرد و زن بحثی مفصل است که در حوصله این مقاله نمی‌گنجد.

منابع

– قرآن کریم.

- آملی، عزالدین جعفر بن شمس‌الدین. (۱۳۵۵). **ترجمه و شرح نهج البلاغه**. مشهد: امور فرهنگی و اجتماعی آستان قدس.
- ابن‌ابی‌الحدید، عزالدین ابوحامد عبدالحمید. (۱۳۳۷). **شرح نهج البلاغه**. قم: کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ابن میثم بحرانی، میثم بن‌علی. (۱۳۶۶). **اختیار مصباح‌السالکین**. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- برقی، زهره. (۱۳۸۳). «جایگاه حقوقی زن در نهج البلاغه». **پژوهش‌های نهج البلاغه**. شماره‌های ۹ و ۱۰، ۱۳۵-۱۷۰.
- بیهقی کیدری، قطب‌الدین محمد بن حسن. (۱۳۷۵). **حدائق الحقائق فی شرح نهج البلاغه**. چاپ اول. قم: بنیاد نهج البلاغه.
- پورحسینی، مریم. (۱۳۷۹). «زن در نهج البلاغه، پاسخ به چند شبهه». **مشکات**. شماره‌های ۶۸ و ۶۹، ۱۹۰-۲۰۲.
- ثقفی، محمد. (۱۳۸۵). «پایگاه اجتماعی زن در نهج البلاغه». **جامعه‌شناسی**. شماره ۶، ۶۱-۸۰.
- جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۶). **ترجمه و تفسیر نهج البلاغه**. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جمالی، نصرت‌الله. (۱۳۸۱). **زن در نهج البلاغه**. قم: مهديه.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۵). **زن در آیینه جلال و جمال**. چاپ سیزدهم. قم: مرکز نشر اسراء قم.
- خویی، ابراهیم بن حسین. (بی‌تا). **الدرة النجفیه**. (بی‌جا)، (بی‌نا).
- خویی، میرزا حبیب‌الله. (۱۳۵۸). **منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه**. به تصحیح سید ابراهیم میانجی. چاپ چهارم. تهران: مکتبه الإسلامية.
- دشتی، محمد. (۱۳۷۹). **ترجمه نهج البلاغه**. قم: مشهور.
- شوشتری، محمدتقی. (۱۳۷۶). **بهج الصباغة**. تهران: دار امیرکبیر للنشر.
- صارمی گروی، سکینه و مجیدی، حسن. (۱۳۹۱). «جایگاه و حقوق زن در نهج البلاغه». **زن و فرهنگ**. سال چهارم، شماره سیزدهم، ۳۱-۴۲.
- صالح، صبحی. (۱۴۱۴). **نهج البلاغه**. قم: موسسه دارالحدیث.
- صالح الجواد، نجوی. (۱۳۸۴). **زن در نهج البلاغه**. ترجمه ورود سلامی. چاپ اول. تهران: انتشارات زمزم زندگی.
- صراطی، ژیللا. (۱۳۸۳). «زن و اساطیر (ایزد بانوان)». **فصلنامه ادبیات فارسی**. شماره ۲، ۱۸۳-۱۸۹.

- طباطبایی امین، طاهره سادات و افسر دیر، حسین. (۱۳۹۲). «معناشناسی ایمان در احادیث إن النساء نواقص الإیمان»، پژوهشنامه نهج البلاغه، سال اول، شماره ۴، ۵۲-۷۱.
- عبده، محمد. (بی تا). شرح نهج البلاغه. به تصحیح محمد محی الدین عبدالحمید. قاهره: مطبعة الاستقامة.
- علایی رحمانی، فاطمه. (۱۳۸۳). «تحلیلی بر خطبه ۸۰ نهج البلاغه». پژوهش های نهج البلاغه. شماره های ۹ و ۱۰، ۱۱۲-۱۳۲.
- فتاحی زاده، فتحیه؛ رسولی راوندی، محمدرضا و حاتمی راد، الهه. (۱۳۹۴). «بررسی روایات امام علی (ع) در توصیف ویژگی های فردی زن». پژوهشنامه علوی. سال ششم، شماره ۲، ۴۵-۸۰.
- مدرس وحید، احمد. (بی تا). شرح نهج البلاغه. قم: نشر احمد مدرس وحید.
- معین الاسلام، مریم. (فروردین ۱۳۹۱). «زن در نهج البلاغه با نگرش روان شناختی، قسمت اول». نامه جامعه، شماره ۹۱، ۲۰-۲۵.
- ----- (اردیبهشت ۱۳۹۱). «زن در نهج البلاغه با نگرش روان شناختی، قسمت دوم». نامه جامعه، شماره ۹۲، ۲۲-۲۵.
- ----- (خرداد ۱۳۹۱). «زن در نهج البلاغه با نگرش روان شناختی، قسمت سوم». نامه جامعه، شماره ۹۳، ۱۰-۱۵.
- ----- (تیر ۱۳۹۱). «زن در نهج البلاغه با نگرش روان شناختی، قسمت چهارم». نامه جامعه، شماره ۹۴، ۱۰-۱۳.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۳۵۸). فی ظلال نهج البلاغه. چاپ سوم. بیروت: دارالعلم للملایین.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۰). پیام امام امیرالمؤمنین شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه. چاپ اول. قم: انتشارات امام علی ابن ابیطالب.
- موسوی، سیدعباس. (۱۳۷۶). شرح نهج البلاغه. چاپ اول. بیروت: دارالحجّة البيضاء.
- میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن. (بی تا). قوانین الأصول. تهران: مکتبه العلمیه الإسلامیه.
- Inloes, A. (2016). "Was Imam Y'Ali a Misogynist? The Portrayal of Women in Nahj al- Balaghah and Kitab Sulaym ibn Qays". *Journal of Shi'a Islamic Studies*. The Islamic College, London, UK. Vol. VIII, No.3.

پایگاه اینترنتی:

– جاوید، مینو. <https://zandiq.com/2008/11/21/simaye-zan-dar-nahjol-balaghe>